

یک بستر و دو رویا

روح‌الله مهدی‌پور‌عمرانی

بررسی آثار ادبی شکوه قاسم‌نیا

جستارگشایی: «دوگانه‌نویسی» فقط این نیست که نویسنده‌ای در دو حوزه سنی، مثلاً هم در حوزه کودک و نوجوان و هم در حوزه بزرگسال بنویسد، بلکه معنای دیگری نیز از آن مستفاد می‌شود و آن، تنوع و گوناگونی موضوعاتی است که یک نویسنده برای نوشتن و آفرینش برمی‌گزیند. دقیق‌تر گفته شود؛ بعضی از نویسندگان، در یک حوزه سنی، در دو ژانر (قالب نگارشی) قلم می‌زنند. گاهی دامنه حضور و فعالیت، چندین ژانر (قالب) را در برمی‌گیرد.

در میان نویسندگان (داستان‌نویسان) و شاعران ایران در روزگار ما، کمابیش به چنین مواردی برمی‌خوریم. به عنوان نمونه، از محمود کیانوش، احمد شاملو، احمد رضا احمدی و... هم داستان و هم شعر به یادگار مانده است. نکته جالب توجه در این است که این نویسندگان و شاعران، در دو زمینه سنی و مخاطبی نیز اثر خلق کرده‌اند. قوت و ضعف آثار پدید آمده در حوزه‌های دوگانه، همیشه بوده؛ به گونه‌ای که کم‌تر کسی توانسته در همه قالب‌ها و حوزه‌ها، توانمندی‌هایش را نشان بدهد.

شکوه قاسم‌نیا، شاعر و داستان‌نویس حوزه کودک و نوجوان نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای رسیدن به این مُدعا، نخست جا دارد که شناسنامه‌ای از آثارش به دست‌دهیم. آن‌گاه به بررسی کوتاهی از شعرها و داستان‌هایش بسنده می‌کنیم. (۱)

امتیازها و ارزیابی‌ها:

برخی از کتاب‌های قاسم‌نیا، در جشنواره‌ها و داورهای، حایز امتیازهایی شده‌اند که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

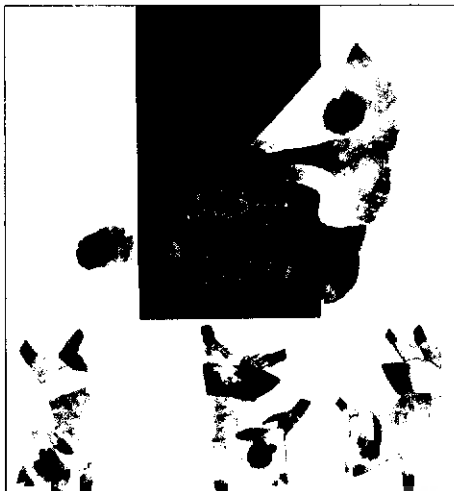
آ - کتاب «دست‌کوچولو - پاکوچولو» از سوی جشنواره مجله پوپک، به عنوان کتاب برتر شناخته شده است.

ب - کتاب «ماه و ماهی»، در جشنواره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برگزیده شد.

پ - کتاب «پسته دهان‌بسته»، در جشنواره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان کتاب برتر و برجسته انتخاب شد.

ت - کتاب «گلک چه مهربان است»، کتاب سال ارشاد شناخته شده است.

ث - «اندازه دنیا» از سوی شورای کتاب کودک، برگزیده شد.



ح - کتاب «یار حسنی و ننه کوچیکه و دختر نارنج و ترنج»، کتاب سال ارشاد شد.

بررسی کتاب‌های شکوه قاسم‌نیا:

۱- شعر:

شاید تمامی آن چه را که قاسم‌نیا، با قصد و نیت شعر، نوشته و پدید آورده، نتوان شعر نامید. با توجه به تعریف شعر که از سوی استادان و ادب‌شناسان قدیم و جدید ارایه شده، شعر، کلام مخیل است. از طرفی، در تعریف شعر با رویکرد مخاطب‌شناسی، به نظر می‌رسد که بایستی عنصر وزن و موسیقی (ریتم) را نیز به آن افزود و گفت: «شعر [شعر کودک] کلامی موزون و مخیل است».

به هر تقدیر، قاسم‌نیا با مرزبندی آشکار، دست‌کم برای سه گروه سنی و مخاطب، «کلام موزون و مخیل» ساخته است:

خردسال

کودک

نوجوان

مخاطب‌شناسی
شعرهای قاسم‌نیا

پیش‌دستانی آغاز می‌شود. بنابراین، از یک نظر می‌توان گفت که میزان دوری یا نزدیکی، رغبت یا بی‌تفاوتی و حتی گریز کودکان و نوجوانان و جوانان، تا حد قابل توجهی به دوران خردسالی برمی‌گردد. شاعران و داستان‌نویسان حوزه کودک و نوجوان، آیا به این موضوع ساده و در عین حال بسیار مهم و روان‌شناسانه، فکر کرده‌اند؟

چه میزان از آثار تولیدی این دسته از نویسندگان، برای خردسالان آفریده شده است؟ خانواده، نهادهای رسمی و غیررسمی آموزش و پرورش و دست‌اندرکاران فرهنگ عمومی جامعه، برای این سنین، چه برنامه‌هایی اندیشیده و می‌اندیشند؟

آیا درصد قابل توجهی از کاهش نرخ مطالعه و کتاب‌خوانی، به گام‌های نخستین زندگی کودکان و خردسالان برنمی‌گردد؟

شکوه قاسم‌نیا، در اشتیاق کودکان و نوجوانان به کتاب‌خوانی و ادبیات، چه نقشی ایفا کرده است و می‌کند؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش، نخست چند مجموعه و کتاب شعرش را بازخوانی و بررسی

در حوزه سنی خردسال، همان‌طور که از عناوین فرعی بعضی از کتاب‌هایش پیداست، بیش‌تر به «ترانه» و جمله‌سازی‌های منظوم پرداخته است. او دریافته است که خردسالان، گفتار آهنگین را دوست‌تر می‌دارند.

خردسالان، دختران و پسران کوچکی هستند که هنوز خواندن و نوشتن نمی‌دانند. بنابراین، متن‌ها را از زبان پدر، مادر و یا آموزگاران و مربیان مهدها و پرورشگاه‌ها می‌شنوند. آشنایی کودکان و نوجوانان با ادبیات (شعر و داستان)، از سال‌های

می‌کنیم و آن‌گاه، نگاهی به کتاب‌های داستانی‌اش می‌اندازیم و جایگاه او را در ادبیات داستانی حوزه کودک و نوجوان، نشان می‌دهیم. این مقاله بر آن است تا از برآیند بررسی‌ها، شناخت نسبتاً دقیقی از هنر نویسندگی این شاعر و داستان‌نویس به دست دهد.

الف) دست‌کوچولو، پاکوچولو

در این کتاب، ۱۲ قطعه شعر کوتاه، برای خردسالان گرد آمده است. با توجه به کنش‌هایی که در بعضی از شعرها به آن‌ها اشاره می‌شود، مخاطب «خردسال»، کودکان ۱۲ ساله تا ۷، ۸ ساله را در برمی‌گیرد. زیرا در شعر «نقطه»، راوی از مورچه‌ای سخن می‌گوید که زیر واژه‌های «آب» و «بابا»ی مشق او می‌نشیند و نقش نقطه را بازی می‌کند:

مورچه ریزه میزه

زرنگ و تسند و تیزه

رو صندلی بود آن

حالا دیگه روی میزه

نگاش بکن کجا رفت

رفته به روی مشقام

نقطه شده، نشسته

به زیر «آب» و «بابام»^(۲)

و یا در قطعه «معلم گربه‌ها» می‌خوانیم:

مشقامو می‌نوشتم

گربه سیاهه اومد

با دست و پای خیشش

مشقای من رو خط زد

خیال کنم که او هست

معلم گربه‌ها

این دفعه وقتی اومد

داد می‌زنم که بر پا^(۳)

شاعر در این قطعه، با ایجاد ارتباط ذهنی بین خط خوردن مشق توسط معلم و رفتار گربه از یک سو و واکنش راوی در قالب «برپا دادن» از سوی دیگر، توانسته موقعیت و سن مخاطب را تعیین کند.

شاعر در نخستین سطرِ اولین شعر کتاب، خود را وامدار متنِ دیگر و دیگران نشان می‌دهد:

«چوب، چوب دو دیوار

دو پنجره با یک در»^(۴)

که بلافاصله روایتِ

«چشم، چشم دو ابرو

دماغ و دهن یه گردو»

را به ذهن و یاد خواننده و مخاطب متبادر می‌کند.

وی هم‌چنین، در قطعه «نقاشی»، خود را تکرار

می‌کند:

اما قناری من

بال و پرش رو بسته

چون که مداد زردم

نوک نداره، شکسته»^(۵)

شاعر، پیش از این، در کتاب «حسنی کلاس

چنده؟»، نوشته بود:

«خواب می‌بینم مدادش

نوک نداره، شکسته»^(۶)

آن‌چه در کتاب «دست‌کوچولو، پاکوچولو»،

بیش از کتاب‌های دیگرش، چشمگیرتر است،

شعریّت اثر و وقور عناصر ایماژیک و

تصویرآفرینی‌های شاعرانه است. شاعر، در قطعه

«پینه‌دوز»، پس از معرفی شکل و شخصیت

ظاهری حشره‌ای به نام پینه‌دوز، کنش او را

این‌گونه به تصویر می‌کشد:

خسته شده بیچاره

وای که چقدر کار داره

بسیاد بدوزه امشب

هزارتا کفش پاره

و بی درنگ، در صدد برمی آید تا از ترکیبِ

«هزارتا کفش» استفاده‌ای در خور بکند. بنابراین،

می‌نویسد:

کفش مال هزارپاست

غریبه نیست، آشناست

بیچاره پینه‌دوزه

مهلتِ او تا فرداست^(۷)

نمونه پنجم:

حسنى نگاهش افتاد به آسمون دوباره

ستاره‌شو پیدا کرد رو ابر پاره‌پاره^(۱۲)

نمونه ششم:

گره که گفت میومیو

حسنى با چوب پرید جلو^(۱۳)

نمونه هفتم:

پارو می‌زد تندوتند

اما خودش تو خواب بود^(۱۴)

■ قالب‌شناسی

شاعر با توجه به مخاطب خود و به پیروی از پیش‌کسوتان این حوزه، از قالب چارپاره که همان دوبیتی‌های پیوسته است، استفاده کرده. قالب چارپاره، از دوران انقلاب مشروطیت رواج یافت و توسط نیما یوشیج و پیروانش، رونق گرفت. از چارپاره‌سرایان پرآوازه، باید از پروین دولت‌آبادی و فروغ فرخزاد نام بُرد. هم‌اکنون نیز این قالب، کاربرد بیش‌تری نسبت به سایر قالب‌ها دارد.

چارپاره انواع چندی دارد که مشهورترین آن‌ها را نام می‌بریم و در شعرها و ترانه‌های قاسم‌نیا، نشان می‌دهیم:

نوع اول) مصراع‌های اول و چهارم و گاهی

مصراع‌های اول و سوم و چهارم دارای قافیه‌اند:

یک آسمون ستاره

حسنى خبر نداره

فردا توى مدرسه

نمره‌ی بیست می‌آره^(۱۵)

نوع دوم) مصراع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه‌اند:

ب) شاعر در مجموعه چهارجلدی «حسنى»، از شیوه‌ها و عناصری استفاده کرده که به اجمال، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

■ تکرار اسم یا صفت برای وزن آفرینی:

نمونه اول:

اسفند دونه‌دونه

حسنى کجاس؟ تو خونه^(۸)

نمونه دوم:

بارون ریزه‌ریزه

حسنى چقدر تمیزه^(۹)

نمونه سوم:

غنچه دسته‌دسته

حسنى، چشاشو بسته^(۱۰)

نمونه چهارم:

دونه‌به‌دونه دندوناش

خراب شدن یواش یواش^(۱۱)

شاعر با استفاده از ظرفیت این قالب و بنا به مقتضای پیشروی متن، نوعی «ترکیب‌بند نو» ساخته است. با این کار، از اطناب کلام جلوگیری کرده و شکل جدیدی از چارپاره آفریده است.

■ وزن شکنی

وزن شکنی آگاهانه، از خلاقیت‌های شاعرانه به شمار می‌آید؛ مانند کار جسارت‌آمیزی که نیما یوشیج انجام داد و سال‌ها در دفاع از شیوه خود، مقاله‌ها نوشت و طعن و لعن‌ها شنید. ولی گاهی شاعر از روی شتابزدگی و یا لغزش‌های چاپی و عدم ویرایش، به سبب وزن‌های مغشوش و گوش‌آزار، مورد انتقاد قرار می‌گیرد:

نمونه اول: در قطعه شعر «جوجه نازِ حسنی» می‌خوانیم:

تکون تکون داده چوبشو

داد کشید آی گربه برو (۱۹)

که یک هجای کوتاه (حرف «ه» در بیت بالا) اضافی دارد.

نمونه دوم: در قطعه «حسنی بی‌دندون شده»، وزن کلی شعر در طول و ادامه متن، تغییر کرده است.

حسنی توی دفترش

عکس یه گل کشیده

همون گلی که دیروز

میون باغچه دیده (۱۶)

شاعر گاهی این قاعده را شکسته و چارپاره را به دوپاره (مفردات - تک‌بیت) تبدیل کرده است. در قطعه شعر «حسنی بی‌دندون شده»، در بندهای ۲ و ۳ و ۴، این شگرد دیده می‌شود:

با دندوناش شکسته

بادوم سخت و پسته

مک زده به آب‌نبات

هی جویده شکلات

قندونو خالی کرده

وای که چه کاری کرده (۱۷)

با نادیده گرفتن بندهای آغازین و پایانی، می‌توان این سه بیت را که دارای وحدت عمودی‌اند، در قالب مثنوی جای داد.

قالب شکنی شاعر، در جای دیگری نیز به شکل دیگری صورت گرفته است. در کتاب «حسنی یکی‌یک‌دونه است» و در قطعه «حسنی و اسب بالدار» می‌خوانیم:

حسنی توی خیالش

یک اسب بالدار داره

شب که همه تو خوابند

رو اسب خود سواره

- حسنی که خیلی نازه

اسبشو کجا می‌تازه؟

می‌تازه توی صحرا

رو تپه، کوه و دریا

بالا و بالا می‌ره

تا می‌رسه به ابرا

حسنی که خوب می‌خنده

اسبشو کجا می‌بندد؟ (۱۸)

کلاغه به فانه اش رسید



نویسنده: کوه لایم به
محرران: نوشیما پورحسین

دست‌کوچولو، پا‌کوچولو نیز به سبب وجود یک حرف اضافی، وزن شعر دچار اختلال و آسیب شده است:

مورچه ریزه‌میزه

زرنگ و تند و تیزه

رو صندلی بود آن

حالا دیگه روی میزه (۲۱)

حرف [هجای کوتاه] «ی» در مصراع آخر (چهارم) این بند، آهنگ آن را برهم زده است.

نمونه چهارم: در مجموعه «حسنى کلاس چنده» و در قطعه «حسنى یک گل کشیده»، به دلیل همسایگی و مجاورت دو حرف «کاف» و «گاف» به جای آن که واج آرایى و وزن آفرینى صورت بگیرد، سخته وزنى ایجاد شده است. با توجه به زبان شکسته و محاوره‌ای شعر، می‌بایستی از واژه «یه» به جای «یک» استفاده می‌شده است.

■ استفاده از نام‌آوا (صوت)

به کارگیری نام‌آوا، برای کاستن از روایت محض، در شعر شاعرانى دیده می‌شود که در پی تصویرسازی بوده و پای از حوزه «گفتن» کشیده و به حیطه «نشان دادن» نزدیک شده‌اند. استفاده از نام‌آوا، شعر را از حالتِ روایی، به نمایشی تبدیل می‌کند. در ترانه‌ها و شعرهای قاسم‌نیا، نمونه‌های فراوانی از این رویکرد وجود دارد که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- گربه که گفت میومیو (حسنى کلاس چنده - صفحه ۵)

۲- جیک جیک و جیک‌وجیک می‌کرد (حسنى کلاس چنده - صفحه ۵)

۳- زنبورکی می‌رسه / هی می‌کنه وز و وز (حسنى کلاس چنده - صفحه ۶)

حسنى بی‌دندون شده

فَعولُ فاعلاتن

زار و پَریشون شده

فَعولُ فاعلاتن

بند اول:

بی‌احتیاطی کرده

فَعولُ فاعلاتن

حالا پشیمون شده

فَعولُ فاعلاتن

بند دوم:

با دندوناش شکسته

بادوم سخت و پسته

بند سوم:

مک زده به آب‌نبات

مفتعلن مفاعل

هی جویده شکلات

مفتعلن مفاعل

بند چهارم:

قندونو خالی کرده

مفتعلن فاعلات

وای که چه کاری کرده

مفتعلن فاعلات

بند پنجم:

دونه‌به‌دونه دندوناش

مفتعلن مفاعلن

خراب شدن یواش‌یواش

مفتعلن مفاعلن

تا خونه همسایه‌ها

مفتعلن مفاعلن

می‌آد صدای گریه‌هاش (۲۰)

مفتعلن مفاعلن

نمونه سوم: در قطعه شعر «نقطه» از مجموعه

زبان شعرها و ترانه‌های قاسم‌نیا، زبان گفتار است.

آیا نوشتن زبان گفتاری، به سلامت زبان فارسی، زیان می‌رساند؟

بعضی از مریبان و صاحب‌نظران دانش زبان‌شناسی که در زمینه پرورش و آموزش نیز فعالیت می‌کنند، بر این باورند که کاربرد زبان گفتار و محاوره در متن‌های نوشتاری و حتی استفاده از لحن گفتاری در زبان‌آموزی کودکان، بدآموزی به همراه خواهد داشت. این دسته از مریبان عقیده دارند که باید به دانش‌آموزان - به ویژه کودکان و نوآموزان - شکل سالم و درست (نشکسته) واژه‌ها را یاد داد. پس بهتر است که هم در گفتار و هم در نوشتار، این موضوع رعایت شود. در مقابل، گروهی دیگر اعتقاد دارند که کودک، پیش از آن‌که بتواند بگوید و بنویسد، می‌شنود. از آن‌جا که پدر و مادر و مریبان مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی و حتی دبستان‌ها، به زبان محاوره صحبت می‌کنند، پس ذهن و زبان کودک، بیش‌تر با این شیوه از تکلم، مانوس و آشناست. بنابراین، زبان گفتاری و محاوره‌ای برای کودکان، نه تنها بدآموزی ندارد، بلکه کمک می‌کند تا زودتر و بهتر با متن و گفتار ارتباط بگیرند.

قاسم‌نیا در مجموعه‌های کودکانه و ترانه‌هایی که برای خردسالان سروده، از زبان محاوره‌ای و شکسته استفاده کرده تا بتواند آسان‌تر با مخاطبان خود ارتباط بگیرد و به نظر می‌رسد که در این کار موفق بوده است.

■ قافیه‌شکنی

قافیه‌شکنی توسط قاسم‌نیا، نه از روی قافیه‌گریزی و نوگرایی، بلکه از روی کم‌دقتی



- ۴- حسنی دلش گرفته بود / های و های و های و های گریه می‌کرد (حسنی کلاس چنده - صفحه ۱۱)
- ۵- قوقولی قوقو خروس خوند / حسنی بیدار شد از خواب (حسنی کلاس چنده - صفحه ۱۳)
- ۶- حسنی دوید و داد کشید / کیش کیش کیش، جاجا جا (حسنی یه جوجه داره - صفحه ۲)
- ۷- تو باغچه تخم گذاشته‌ام / قدقدقا، قدقدقا (حسنی یه جوجه داره - صفحه ۲)
- ۸- بارونا شرشر می‌کرد/ناودونا قرقر می‌کرد / گربه‌ای زیر بارون / می‌گشت و خرخر می‌کرد / (حسنی یکی یک‌دونه است - صفحه ۲)
- ۹- تق تق تق! در می‌زنند / این باباته، صداش می‌آد (دست کوچولو، پاک‌چولو - صفحه ۱۴)
- ۱۰- گفت قار و قارقار، حسنی / منم کلاغِ قصه‌ها (حسنی تو شهر قصه - صفحه ۸)

■ زبان‌سازی

یکی از کارهای شاعر و داستان‌نویس، زبان‌سازی است. این رویکرد، به معنای ساخت ترکیب‌ها و واژه‌های نوست، نه به معنای نوع لحن و شیوه گفتار.

صورت گرفته است. وی در کتاب «حسنى يه جوجه داره» و در قطعه «حسنى مى‌خواست بازى كنه»، در بند چهارم مى‌نويسد:

هيچ مى‌دونى چند سالمه؟

خيلى بزرگ‌تر از توأم.

مورچه‌اى پير و خسته‌ام

جائى پسر بزرگتم.

كه از موسيقى پايان مصراع‌ها براى قافيه‌سازى بهره‌بردارى كرده، در حالى كه «أم» و «تَم»، در جايگاه «رديف» هستند، نه قافيه (حسنى يه جوجه داره - صفحه ۱۵)

■ روابط بينامتنى

كم‌تر متنى را مى‌توان يافت كه خودبسنده باشد و براى نخستين بار، از ذهن و زبان پديدآورنده اثر بتراود؛ بدون آن كه در پيدا و پنهان، با متن يا متن‌هاى پيوند داشته باشد. بنا بر اين، بسيارى از شعرها و داستان‌ها (به ويژه شعرها و داستان‌هاى حوزه كودك و نوجوان) و از همه جالب‌تر، قصه‌ها و افسانه‌ها و اسطوره‌ها، با تكرر به شيوه‌هاى نزديك به هم، در ادبيات سرزمين‌هاى گوناگون،

ریشه‌هاى يگانه دارند. هسته اصلى (سوژه‌ها) و گاهى گوشته (ژرفساخت) و پوسته (ساختار بيرونى) آن‌ها چنان به هم شبيهند كه خواننده، همه آن‌ها را على‌رغم تفاوت در زبان بيان آن‌ها، يكى مى‌داند. اين مكانيزم، به حدى است كه پيدا كردن عنصر خلاقيت در كار بسيارى از شاعران و داستان‌نويسان، به دشوارى صورت مى‌گيرد. قاسم‌نيا، در ساختن ترانه‌ها و شعرهاى كودكانه و نوجوانانه‌اش، از اين قاعده مستثنى نوده و نيست. يادآورى چند نمونه از روند همانندى و تأثيرات مستقيم از متن‌هاى نوشته شده (مكتوب) و نانوشته ديگران، اين بحث را روشن‌تر خواهد كرد.

الف) بهره‌بردارى از باورهاي عمومى

نمونه اول: قطعه كوتاه «داداش»، بر بستر يك باور عمومى شكل مى‌گيرد:

داداش من خوابيده

لحافو روش كشيده

تو خواب داره مى‌خنده

چى ديده؟ چى شنيده؟

شايد كه يك فرشته

رسيده از آسمون

براش لالاىي خونده

لباشو كرده خندون

(دستكوبچولو، پاكوجولو - صفحه ۲۰)

بسيارى از مردم معتقدند كه اگر كودكى در خواب بخندد، براى اين است كه فرشته‌ها با او بازى مى‌كنند.

نمونه دوم: در قطعه «حسنى خبر!»، از يك باور ديگر مردم، براى ساخت موضوع شعر، بهره‌بردارى شده است:



اون شب که بارون اومد
یارم لب بوم اومد
رفتم لبش ببوسم
نازک بود و خون اومد

پ) بازروایی متن دیگر
قاسم‌نیا، در کتاب چهارم مجموعه حسنی،
چندین مورد از این رفتار متنی را به نمایش
می‌گذارد.

نمونه اول: حسنی و کدوی قل قله‌زن
حسنی نگاه کرد و چی دید؟
یک کدوی قل قله‌زن
از تو کدو بیرون اومد
سرخ و سفید یک پیرزن
(حسنی تو شهر قصه - صفحه ۲)
این ترانه، یادآور قصه «پیرزن و کدوی
قل قله‌زن» است.

نمونه دوم: حسنی و بزبز قندی
کی بود کی بود کجا بود؟
یه گرگ دم‌سیا بود
دنبال بزغاله‌ها
تو شهر قصه‌ها بود

(حسنی تو شهر قصه - صفحه ۱۱)
ماجرای بُز و سه بزغاله، به نام‌های سنگول و
منگول و حبه‌انگور، به زبان «نظم»، بازروایی شده
است. ناگفته نماند که قاسم‌نیا در این روایت، در
متن داستان و مناسبات درونی رویدادها و آدم‌ها
(شخصیت‌ها)، تغییراتی داده؛ به نحوی که
دیالکتیک حاکم بر کشمکش‌ها و مقابله‌گرگ و
بزغاله‌ها و بز را زیر سؤال برده و به نوعی خواسته
تا میان این دو، آشتی برقرار کند و سایه سرزنش را

حسنی خیر! حسنی خیر
کاسه بیار و آش ببر
دعا بکن بابات بیاد
خوب و سلامت از سفر
این آش پشت پای اوست

نخود داره با لوبیا
بخور و تو دلت بگو
باباجونم زودتر بیای!
(حسنی یه جوجه داره - صفحه ۱۲)

در باور مردم، پختن و توزیع آش پشت‌پا،
هنگامی که کسی به سفر می‌رود، باعث می‌شود تا
شخص سفر کرده، صحیح و سالم به خانه برگردد.
نمونه سوم: در همین قطعه و در پاره پایانی،
اندیشه مردسالاری در خانواده ایرانی، به صورتی
نرم و نهفته، مستفاد می‌شود:
یادت باشه آی حسنی

نگیری هیچ بسهونه‌ای
تا وقتی که بابات بیاد
تویی که مردخونه‌ای
(حسنی یه جوجه داره - صفحه ۱۲)

ب) استفاده از یک متن قدیمی آشنا
قاسم‌نیا، در جلد سوم مجموعه حسنی، در
قطعه‌ای به نام «حسنی لب بوم اومد»، می‌نویسد:

اون شب که بارون اومد
حسنی لب بوم اومد
چستر سیاشو وا کرد
یواش و آروم اومد
(حسنی یه جوجه داره - صفحه ۲)

این پاره، از فلهلویات و ترانه‌های عامیانه
برداشته شده که متن اصلی‌اش، به این صورت در
ادبیات آمده است:

از سر گرگ بردارد.

شاعر، می‌بایست قبل از هر کاری در این زمینه، نمادزدایی کرده، رخت دیگری بر تن گرگ بپوشاند، آن‌گاه به آسانی بتواند بزغاله‌ها را در شکل‌گیری این حادثه، گناهکار بداند. برای این کار، باید سال‌ها نمادسازی کرد.

نمونه سوم: حسنی و اشی‌مشی

بارون می‌بارید ریزریز

برف می‌اومد آروم آروم

گنجشکک اشی‌مشی

نشسته بود رو پشت‌بوم

(حسنی تو شهر قصه - صفحه ۱۲)

روایت مشهور دیگری که در ادبیات شفاهی

وجود دارد، به این صورت است:

گنجشکک اشی‌مشی

رو پشت‌بوم ما نشی [نشین!]

بارون می‌آد خیس می‌شی

برف می‌آد گوله [گلوله] می‌شی

می‌افتی تو حوض نقاشی

کی می‌گیره؟ - فرانش باشی

کی می‌کشه؟ - قصاب باشی

کی می‌پزه؟ - آشپز باشی

کی می‌خوره؟ - حاکم باشی

در روایت قاسم‌نیا، حسنی با آن‌که به گنجشکک اشی‌مشی هشدار می‌دهد که درون حوض نقاشی نیفتد، ولی سازنده روایت با ساخت گزاره‌ای کوتاه، درصدد برمی‌آید تا پاسخ روایت معروف را در مورد به حوض افتادن پرنده بدهد.

بنابراین، می‌نویسد:

حسنی توی دلش می‌گفت:

صدآفرین اشی‌مشی

تازه اگر بیفتی تو

پرنده‌ای رنگی می‌شی

(حسنی به جوجه داره - صفحه ۱۲)

نمونه چهارم: حسنی و غول چراغ جادو
در این قطعه نیز بازروایی یک متن قصوی، ماجرا و کنش‌ها را تا حد ذهنیت یک کودک خردسال تسنزل می‌دهد. اساساً، بازسرایایی قصه‌های موجود در ادبیات کتبی و شفاهی ایران به زبان نظم به وسیله قاسم‌نیا، به جای آن‌که قصه‌هایی نو بیافریند، نمونه‌هایی دگرذیسی شده از قصه‌ها و ترانه‌ها را عرضه کرده است.

گاهی شباهت متن‌های اصلی و دگرذیسی شده، چنان زیاد است که «تأثیر»، به شکل «تقلید» خودنمایی می‌کند. فرجام ناخوشایند و ناپسند ایجاد روابط بینامتنی، تقلید است، اما تأثیر مقوله دیگری است که به آسانی نمی‌توان از کنار آن گذشت. چنان‌که آندره ژید، نویسنده فرانسوی، در مورد عنصر «تأثیر» می‌نویسد:

«برای انسان ممکن نیست که خود را از تأثیرات، دور نگه دارد. خوددارترین و منزوی‌ترین اشخاص نیز آن را احساس می‌کنند. تأثیرات هرچه تعدادشان کم‌تر باشد، قوی‌ترند. اگر هیچ وسیله‌ای برای منصرف ساختن خودمان از بدی هوا نداشته باشیم، کوچک‌ترین رگبارها به شدت ناراحت‌مان می‌کند. تصور انسانی که بتواند کاملاً از هرگونه تأثیرات طبیعی و انسانی فرار کند، به اندازه‌ای غیرممکن است که حتی وقتی مردم، پهلوانی را می‌دیدند که گمان می‌کردند چیزی به محیط خارج مدیون نیست و راز پیشرفت و نیروی او برای عوام مجهول بود و زاییده هیچ‌گونه عامل بشری جلوه نمی‌کرد، ترجیح می‌دادند که تأثیر «ستارگان» را مایه موفقیت‌های او بشمارند. زیرا غیرممکن است یک چیز بشری را بتوانیم تصور

در این چارپاره، فعل «ندیدی»، به مقتضای فقط وزن، در انتهای مصراع سوم متوقف شده و با نپیوستن به مصراع چهارم که جایگاه منطقی و اصلی آن است، نوعی دیرفهمی مفهوم جمله را سبب شده است.

۲- قصه‌ها

رؤیای دیگری که قاسم‌نیا برای خلق آثارش برگزیده، نثر و قصه‌هاست. در متن‌های این حوزه نیز روند خودبسنده‌گی متن، دستخوش توقف شده و پدیدآورنده، در عین بازنویسی متن‌های موجود، زبان آهنگین را به کار برده است. در گزاره‌های آغازین کتاب «کلاغه به خانه‌اش رسید»، آمده است:

«یکی بود، یکی نبود. ننه کلاغه غصه‌دار بود. بچه یکی یک‌دانه‌اش بیمار بود. چشمش پر از اشک و دلش خون و حالش زار بود. کلاغ‌باشی، طبیب کلاغ‌ها، از راه رسید. مریض را دید. قارقاری کرد و گفت: چاره درد این مریض، یک تکه پنیر است. پنیر هم توی خانه منیر است. ننه کلاغه، این را که شنید، صبر نکرد. به هوا پرید. رفت تا به خانه

کنیم که کاملاً و عمیقاً و باطناً از هرگونه تأثیری مستقل باشد.» (۲۲)

■ دشواری زبان

علی‌رغم سادگی زبان در ساخت و یافتِ واژه‌ها و جمله‌ها، دشواری‌هایی نیز در ساختمان نحوی جمله‌ها به چشم می‌خورد که با جابه‌جایی ارکان جمله، معنی و مفهوم گزاره‌ها به سختی توسط کودک خردسال دریافت می‌شود. با ذکر ۲ نمونه، بررسی ترانه‌ها و شعرها را به پایان برده، نگاهی به داستان‌ها و قصه‌های شکوه قاسم‌نیا می‌اندازیم.

نمونه اول:

خروس قصه‌هایی تو
بخون که خوش صدایی تو
برای هر کی قصه گوست،
خروس آشنایی تو

(حسینی به جوجه داره - صفحه ۶)

نوعی ثقل گفتاری در این بند از چارپاره، احساس می‌شود. چنان‌چه چارپاره بالا را به شکل زیر درآوریم، از سنگینی گفتار، کاسته خواهد شد:

خروس قصه‌ها تویی
بخون که خوش صدا تویی
برای هر کی قصه گوست،
خروس آشنا تویی

نمونه دوم: جابه‌جایی ارکان جمله:

آهای پسر! اوهوی پسر!
تو دوستی یا که دشمنی
جواب بده زود، ندیدی
تو یک کدو پیرزنی

(حسینی به جوجه داره - صفحه ۲)



«بود و بود. یک آقا دیوه بود که خیلی گرسنه بود. می‌گشت و دنبال غذا بود. رسید به شهر آدم‌ها. بوی آدمیزاد را شنید. دهانش آب افتاد. با خودش گفت: باید ببینم غذایی را توی کدام خانه پیدا می‌کنم؟»

(السانه دیو و دختر - صفحه ۳)

علت دوم: انس و عادتِ ذهن و زبان:

در اثر تکرار نیز ممکن است ذهن و زبان نویسنده، به کلام موسیقایی‌گرایی پیدا کند. گاهی هم این رفتار، بیرون از اراده نویسنده است. متن در پیشروی خود، زبان و لحن دلخواه را به وجود می‌آورد.

■ سوژه‌یابی

قاسم‌نیا، سوژه‌هایش را از لابه‌لای متن‌هایی که خود در کودکی و نوجوانی خوانده و یا از پدر و مادر و مربیان‌ش شنیده، دستمایه نوشتن شعر (ترانه - نظم) و داستان قرار می‌دهد. هر جا که توانست، به شعر و ترانه (نظم) و در جای دیگر به قصه و داستان (نثر) و گاهی نیز به تلفیقی از این دو بسنده می‌کند.

وی به طور کلی، برای سوژه‌یابی متن‌های خود، به دو شیوه عمل می‌کند:

- شیوه اول: اخذ و اقتباس

در این شیوه، هم متن‌های شنیداری و هم متن‌های نوشتاری، حضور دارند که بدون کم و کاست مورد استفاده قرار می‌گیرند. تنها ممکن است زبان، تغییر کند.

- شیوه دوم: برگردان آزاد و دگر دیسی

در نوشته‌های قاسم‌نیا، با آن‌که از مایه‌های نو و بکر، نشان‌چندانی دیده نمی‌شود، ولی در بعضی

خاله‌منیر رسید. لب‌بام خانه نشست. داد کشید: خاله منیرجان! خاله منیرجان! یک تکه پنیر به من برسان! بچه‌ام بیمار، حال خوشی نداره. چاره دردش پنیره. آگه نخوره می‌میره.»
این رفتار زبانی، در کتاب «افسانه دیو و دختر» هم دیده می‌شود:

«نمکی از پنجره اتاق نگاه کرد. دیو را توی حیاط خانه دید. جیغ کشید و گفت: وای ننه‌جان! دیو آمده به خانه‌مان!»

در آغاز قصه «سه خواهر»، در همین کتاب می‌خوانیم:

«سه تا خواهر بودند. اولی خیلی قشنگ بود. دومی خیلی زرتنگ بود. سومی اهل دعوا و جنگ بود.»

ذهنیت موسیقایی در نثر - دست‌کم - دو علت می‌تواند داشته باشد:

علت اول: رویکردهای مخاطب‌شناختی:

آفرینش‌های مبتنی بر مخاطب و رعایت وضعیت درک و دریافت مخاطب، زبان نویسنده را به سوی یک نوع موزونیت و ضرباهنگ، پیش می‌برد.

شگرد وزن‌آفرینی، به دو شکل در قصه‌های قاسم‌نیا اجرا شده است:

- شکل اول: سجع‌سازی و انتخاب واژه‌های هم‌وزن در پایان جمله‌ها که در نمونه‌های بالا به آن اشاره شد.

- شکل دوم: کوتاه‌سازی طول جمله‌ها:

مخاطبان خردسال، جمله‌های دراز و چندبخشی را بر نمی‌تابند. در کتاب «افسانه دیو و دختر»، متن قصه با جمله‌های کوتاه آغاز شده تا موسیقی دلخواه را به وجود بیاورد:

از قصه‌هایش، ماجراهای تازه‌ای را وارد مسیر داستان می‌کند. بنابراین، روال منطقی رویدادها و پایان‌بندی داستان‌ها، به کلی تغییر می‌یابد. در کتاب «بیزب قندی و ماجرای تازه» خاله بزه با گرگ می‌جنگد و شکم او را پاره می‌کند، ولی بزغاله‌هایش را در شکم گرگ نمی‌بیند. بزغاله‌ها که برای گردش رفته بودند، از راه می‌رسند. خاله بزه که می‌بیند چه اشتباهی کرده، با نخ و سوزن، شکم گرگ را می‌دوزد. آن شب، خاله بزه آش می‌پزد و سه کاسه آش هم توسط بزغاله‌هایش برای گرگ و زن و بچه‌اش می‌فرستد تا حق همسایگی (!) را به جا بیاورد.

این بخش از روایت افزوده و نوآورانه (!)، ضرب‌المثلی را در ذهن یادآوری می‌کند که بعید به نظر می‌رسد نویسنده، هنگام ساخت و پرداخت داستان، آن را در ذهن داشته بود. آن ضرب‌المثل، این است:

«به گرگ دوختن بیاموز! دریدن را خودش می‌داند!»

حجم زیادی از قصه‌های قاسم‌نیا، یا بازنویسی قصه‌ها و افسانه‌هاست و یا برگردان آزاد از متن‌های دیگران و خلاصه این که دگرپرسی قصه‌ها و داستان‌هاست که در بعضی از این نوشته‌ها، در شکل بیرونی و ساختمان قصه‌ها تغییراتی داده و در برخی نیز پیرنگ‌ها را تا حدودی عوض کرده و کنش‌ها و رویدادهایی در پایان‌بندی اضافه کرده است. با این همه، طیف وسیعی از کودکان و مخاطبان را جذب کرده و حداقل این که توانسته است در نرخ مطالعه، تغییراتی بدهد.

■ بازی‌نامه

علی‌رغم رشد کمی متن‌های خواندنی برای

کودکان و نوجوانان که عمدتاً شعر و قصه‌اند، هنوز جای خالی ادبیات نمایشی در حوزه کودک و نوجوان، احساس می‌شود. در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی در زمینه تولید متن‌های نمایشی صورت گرفته که با توجه به نیاز جامعه و جمعیت بی‌شمار کودکان و نوجوانان، تکافوی این گروه گسترده سنی را نمی‌کند. قاسم‌نیا، به عنوان شاعر و نویسنده کودک و نوجوان، این نیاز و خلأ را دریافته و در این زمینه گام برداشته است. وی در این مسیر، کتاب «قار و قار و قار، خبردار» را نوشته که در بردارنده ۴ نمایش‌نامه کوتاه، برای خردسالان و کودکان است. ویژگی این بازی‌نامه‌ها، کوتاهی متن، ساده بودن ماجراها، کمی نقش‌ها و ساده و در دسترس بودن وسیله‌ها برای انجام و اجرای نمایش‌هاست. یکی از نمایش‌نامه‌های این کتاب، «پارک» نام دارد که با هم می‌خوانیم:

پارک

تعداد بازیگرها: ۲ نفر

نقش‌ها: مادر - بچه

بچه: مامان، من رو ببر پارک

مامان: باشه می‌برمت. اما باید صبر کنی تا من اتاق را مرتب کنم.

بچه: باشه، صبر می‌کنم.

مادر مشغول مرتب کردن اتاق می‌شود.

بچه: بسه دیگه مامان. حوصله‌ام سر رفت.

مادر: اما اتاق که هنوز مرتب نشده!

بچه: آخه حوصله‌ام سر رفت.

مادر: خیلی خب، پس صبر کن میوه‌هارو

بشورم، بعد می‌ریزم.

بچه: باشه، صبر می‌کنم.

مادر مشغول شستن میوه‌ها می‌شود.
 بچه: بسه دیگه مامان، حوصله‌ام سر رفت.
 مادر: امان از دست تو! پس صبر کن به بابات
 یک تلفن بزنگم و بریم.
 بچه: باشه، صبر می‌کنم.
 مادر مشغول تلفن زدن می‌شود.
 بچه: بسه دیگه مامان، چقدر حرف می‌زنی؟
 حوصله‌ام سر رفت.
 مادر با اوقات تلخی، گوشی تلفن را می‌گذارد.
 مادر: خیلی خُب، راه بیفت بریم.
 مادر و بچه کمی راه می‌روند و مثلاً به پارک می‌رسند.
 بچه: آخ جون، رسیدیم. این هم زمین بازی...
 تاب، سرسره، الاکلنگ...
 مادر: خیلی خُب، حالا یکی یکی سوار شو.
 بچه: اول، الاکلنگ.
 بچه مثلاً سوار الاکلنگ می‌شود.
 بچه: جانمی جان، بالا، پایین... بالا، پایین...
 مادر: بسه دیگه، حوصله‌ام سر رفت.
 بچه: مامان، من که هنوز بازی نکردم!
 وجه قابل بررسی است:

- وجه اول: قالب متن
 انتخاب قالب نمایش‌نامه، برای روایت متن و
 نشان دادن موضوع

- وجه دوم: نو بودن سوز و پرداخت روان‌شناختی؛
 زبان و ساختمان ساده
 سادگی ساختمان و ابزار اجرای این نمایش‌ها،
 باعث شده تا با اندکی تمرین، در مهدکودک‌ها و
 دبستان‌ها قابل اجرا باشد.
 ویژگی‌های این متن‌های نمایشی را می‌توان
 در جدول نشان داد.



ردیف	نام نمایش نامه	تعداد بازیگرها	نقش‌ها	وسیله
۱	قار و قار و قار، خبردار!	۵ نفر	کلاغ - خروس - مرغ - جوجه - روباه	طناب
۲	کی گل کاشت؟	۴ نفر	گل - پروانه - پرنده - باغبان	یک آب پاش یا پارچ آب
۳	عسل آقا خرسه	۳ نفر	خرس - خرگوش ۱ - خرگوش ۲	یک ظرف خالی
۴	پارک	۲ نفر	مادر - بچه	-

■ رمان پاره پاره نخودی

این رمانچه کودکانه، با الهام از یک افسانه فولکلوریک قدیمی، نوشته شده است. قاسم‌نیا، چه در نظم و چه در نثر، به پیروی از متن‌ها و - شاید - با نظر داشت به بازار کتاب کودک، به ساخت و پرداخت شخصیتی نمونه‌ای و تیپیک دست زده و کوشیده ماجراهای آشنا و ناآشنایی را بر دوش این شخصیت‌ها بگذارد.

ساخت شخصیت‌های تیپیک و تکراری، مانند «حسنی»، «خاله ریزه»، «نخودی» و... در اثر کثرت تکرار، جذابیت خود را رفته رفته از دست داده است. وقت آن است تا نویسندگان کودک و نوجوان، فکری اساسی برای خود و مخاطبان خود کرده، ادبیات این حوزه مهم را از یکنواختی نجات دهند. برای رهیابی به داستان‌ها و ماجراهای رمان «نخودی» و درونه و برونه بعضی از قصه‌های قاسم‌نیا و پرهیز از درازی کلام، جدول طبقه‌بندی قصه‌های بررسی شده این نویسنده را از نظر می‌گذرانیم:

نخودی، کارا کتری عجیب و جهانی است که در افسانه‌های ملل، به نام‌های گوناگون و با رفتارهای همانند، وجود دارد. در افسانه‌های «برادران گریم»، تحت عنوان کوتوله و در افسانه‌های شرقی و ایران به نام «نیم‌وجبی» و «نخودی»، از این موجود کوچک و شگفت نام برده شده است.

موجودی که علی‌رغم جسم کوچک خود، از عهده کارهای بزرگ و خارق‌العاده برمی‌آید.

«نخودی» در حقیقت، یک رُمان اپیزودیک است که پاره پاره شده و در قالب پنج داستان کوتاه، نوشته و آرایه شده است. عناوین این رمان پاره پاره، به این شرح است:

۱- ماجرای یک تولد عجیب

۲- در دام مورچه‌ها

۳- شش سرباز کوچولو

۴- سفر پرخطر

۵- در قصر حاکم

ردیف	نام کتاب	گروه	پیام‌ها	درون مایه
۱	نخودی (۵جلدی)	قصه جن‌وپری	توانا بُود، هر که دانا بُود / گاهی از انسان‌های کوچک کارهای بزرگ برمی‌آید	چاره‌اندیشی انسان برای نجات جان خود
۲	افسانه دیو و دختر	قصه‌ی جن‌وپری	پیروزی عقل بر زور	سرانجام نیکی بر بدی پیروز می‌شود.
۳	سه خواهر	قصه سحر و جادو	بزرگی به عقل است نه به سن و سال	بر اثر پایداری می‌توان بر مشکلات فایق شد.
۴	کلاغه به خانه‌اش رسید	قصه زنجیرهای	ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری	برای رسیدن به مقصود باید سختی‌ها را تحمل کرد.
۵	بزبز قندی و ماجرای تازه	قصه حیوانات	به گرگ دوختن پیاموز، دریدن را خودش می‌داند	همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها و اکوسیستم طبیعی و جانوری

- بقیه کتاب‌های شعر و قصه این نویسنده و نویسندگان دیگر را هم می‌توان مطابق این جدول، سنجید و بررسی کرد.
- وضعیت در شعرها و قصه‌های نوجوانان که تاکنون به قلم شکوه قاسم‌نیا، نوشته و چاپ شده، تفاوت چندانی با شعرها و قصه‌های حوزه خردسالان و کودکان این نویسنده و شاعر ندارد. به هر حال، ویژگی‌های عمده این نویسنده و شاعر را باید در:
- ۱- پُرکاری و تولید بسیار
 - ۲- گرایش قوی به سریال‌نویسی و مجموعه‌سازی
 - ۳- سادگی و روانی موضوع‌ها و زبان بیان و روایت
 - ۴- اخذ و اقتباس از متن‌های قدیمی
 - ۵- ماندن در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و عدم ورود به حوزه بزرگسال، خلاصه کرد.
- پی‌نوشت
- ۱- برای اطلاع از فهرست آثار ایشان، به بخش نمای نزدیک مراجعه شود.
۲. قاسم‌نیا، شکوه: دست‌کچولو، پاکوچولو، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم ۱۳۸۲، ص ۲۶.
 ۳. پیشین، ص ۲۲.
 ۴. پیشین، ص ۴.
 ۵. پیشین، ص ۸.
 ۶. قاسم‌نیا، شکوه: حسنی کلاس چنده؟، نشر پیدایش، چاپ سوم ۱۳۷۴، ص ۲.
 ۷. دست‌کچولو، پاکوچولو، پیشین، ص ۱۶.
 ۸. حسنی کلاس چنده؟ پیشین، ص ۲.
 ۹. پیشین، ص ۲.
 ۱۰. پیشین، ص ۲.
 ۱۱. پیشین، ص ۹.
 ۱۲. قاسم‌نیا، شکوه: حسنی به جوجه داره، نشر پیدایش، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۱۳.
 ۱۳. حسنی کلاس چنده؟، پیشین، صص ۱۲ و ۱۳.
 ۱۴. حسنی کلاس چنده؟، پیشین، صص ۱۲ و ۱۳.
 ۱۵. پیشین، ص ۲.
 ۱۶. پیشین، ص ۶.
 ۱۷. پیشین، ص ۹.
 ۱۸. قاسم‌نیا، شکوه: حسنی یکی‌یکی‌یک‌ه‌ونه است، نشر پیدایش، چاپ پنجم ۱۳۷۸، ص ۸.
 ۱۹. حسنی کلاس چنده؟، پیشین، ص ۴.
 ۲۰. پیشین، ص ۹.
 ۲۱. دست‌کچولو، پاکوچولو، پیشین، ص ۲۶.
 ۲۲. زید، آندره، سیدحسینی، رضا: بهانه‌ها و بهانه‌های تازه، انتشارات نیلوفر، مبحث درباره تأثیر در ادبیات.